

حضرت علی(ع) فرمود: تصمیم به ازدواج گرفتم، ولی جرأت نمی‌کردم به حضرت رسول(ص) عرض کنم تا اینکه روزی بر حضرت وارد شدم و آن حضرت فرمود: آیا میل و رغبتی به ازدواج داری؟

کدام فرشته خطبه عقد حضرت زهرا(س) را خواند

و چه زیباست که امامی معصوم از فرزندان آن حضرت به روایت این ازدواج پر خیر و برکت بپردازد، در ادامه شرح ماجرای پیوند آسمانی یار نبی با یاس نبی از زبان امام رضا علیه السلام می‌آید:

حضرت رضا (ع) فرمود: پدرم از پدرش جعفر بن محمد و آن حضرت از پدر خود از جدّ بزرگوار خویش (ع) نقل فرمود که:

عرض کردم: بفرمایید ای رسول خدا!

فرمود: آیا میل و رغبتی به ازدواج داری؟

عرض کردم: رسول خدا خود داناتر است -و گمان بردم حضرت یکی از زنان قریش را به عقد من درآورند- و من از اینکه فرصت ازدواج با فاطمه را از دست دهم، نگران بودم و متوجّه نشدم که چه شد که حضرت مرا صدا زدند و در خانه ام سلمه به خدمتشان رسیدم.

وقتی به من نگاه کردند، چهره‌شان درخشید، تبسمی فرموده به گونه‌ای که سفیدی دندان‌هایشان را که می‌درخشید دیدم، حضرت به من فرمودند: ای علی! مژده! چرا که خداوند مسأله ازدواج تو را که فکر مرا مشغول کرده بود، خود به عهده گرفت.

گفتم: قضیه چیست یا رسول الله!؟

حضرت فرمودند: جبرئیل با سنبل و قرنفل بهشتی نزد من آمد و آن‌ها را به من داد، من آن دو را گرفتم و بوییدم و گفتم: ای جبرئیل! این سنبل و قرنفل را به چه مناسبت آورده‌ای؟

او گفت: خداوند تبارک و تعالی ملائکه ساکن بهشت و نیز سایر ساکنین آن را امر فرموده که تمام بهشت‌ها را با تمام درخت‌ها و رودخانه‌ها و میوه‌ها و قصرهایش آذین بندند و به بادهای بهشتی دستور داده تا با بوی انواع عطر بوزند و حورالعین را به خواندن سوره‌های 171؛ طه؛ 171؛ طس؛ 171؛ شوری؛ و سوره‌هایی که با 171؛ طسم؛ شروع می‌شود امر فرمود و به یک منادی دستور داد که چنین جار بزند:

ای ملائکه من و ای ساکنین بهشت من! شاهد باشید که فاطمه دختر محمد را به عقد علی بن ابی طالب در آوردم و به این کار راضی و خشنودم، این دو از یک دیگرند.

سپس خداوند تبارک و تعالی به ملکی از ملائکه بهشت به نام راحیل - که در بلاغت هیچ یک از ملائکه به پای او نمی‌رسند- امر فرمود که خطبه بخواند، او نیز خطبه‌ای خواند که اهل آسمان و زمین چنین خطبه‌ای نیاورده بودند، سپس به یک منادی دستور داد تا چنین جار بزند:

ای ملائکه من و ای ساکنین بهشت من! به علی بن ابی طالب حبیب محمد و فاطمه دختر محمد تبریک بگویید، چه اینکه من برای آنان خیر و برکت قرار دادم.

راحیل گفت: برکت تو بر آن دو بیشتر از آنچه ما در بهشت و منزلت برای آنان مشاهده کردیم نیست؟

خداوند فرمود: ای راحیل! از جمله برکت من بر آن دو این است که آنان را بر محبت خودم، با هم همراه می‌کنم و حجت خود بر مردم قرارشان می‌دهم و قسم به عزت و جلالم که از آن دو، نسل و فرزندی به وجود خواهم آورد که در زمین گنجینه‌داران و معادن حکمت خود قرارشان خواهم داد، بعد از پیامبران، آنان را حجت بر مردم قرار می‌دهم.

پس مژده بده ای علی! که من نیز، همچون خدای رحمان، دخترم فاطمه را به ازدواج تو درآوردم و آنچه را که خداوند برای او پسندید، من نیز پسندیدم.

حال دست همسر خود را بگیر که تو از من نسبت به او سزاوارتری، جبرئیل به من خبر داد که بهشت و اهل آن، مشتاق شما دو نفرند و اگر خداوند تبارک و تعالی نمی‌خواست از نسل شما حجتی بر خلق برگزیند، خواسته بهشت و اهل بهشت را در مورد شما دو نفر اجابت می‌فرمود، پس تو چه خوب برادر و چه خوب داماد و چه خوب همدمی هستی و رضایت خدا برای تو کافی است و از رضایت هر کس دیگر بهتر است.

حضرت علی(ع) گفت: رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ؛ پروردگارا! مرا بر آن دار که شکر نعمتی که به من دادی، به جای آرم، حضرت رسول(ص) نیز آمین گفتند.

منبع: عیون اخبار الرضا(ع)